

## بررسی عوامل نهادی و همگرایی‌های منطقه‌ای در حوزه صادرات خدمات

خالد احمدزاده

استاد دانشگاه کردستان kh.ahmadzadeh@uok.ac.ir

کاظم یآوری\*

دانشیار دانشگاه تربیت مدرس تهران kyavari@gmail.com

عباس عساری آرانی

استادیار دانشگاه تربیت مدرس assari\_a@modares.ac.ir

بهرام سحابی

استادیار دانشگاه تربیت مدرس sahabi\_b@modares.ac.ir

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۷/۹

تاریخ دریافت: ۱۳۹۰/۸/۳

### چکیده

این نوشتار، با رویکرد تحلیلی و توصیفی، درصدد است عوامل اقتصادی و نهادی تأثیرگذار در صادرات خدمات را در کشورهای منتخب عضو سازمان همکاری‌های اسلامی (OIC) به روش داده‌های تابلویی کاوش و ارزیابی کند. نتایج حاکی از آن است که تأثیر متغیرهای درآمد سرانه، نرخ مؤثر ارز، ورود سرمایه‌های خارجی و زیرساخت‌های اطلاعاتی در صادرات خدمات در مجموعه کشورهای منتخب مثبت و معنی‌دار است و نرخ تورم عاملی بازدارنده برای صادرات خدمات است. به علاوه، عضویت کشورهای مذکور در بلوک‌های منطقه‌ای (ECO) و (D8) تأثیر مثبت و معنی‌داری در صادرات کل خدمات دارد. عملکرد پایین متغیرهای نهادی از قبیل اثربخشی دولت‌ها، ثبات سیاسی، حاکمیت قانون، کنترل فساد و شاخص وزنی حکمرانی در کشورهای مورد مطالعه تأثیر منفی و معنی‌داری در صادرات خدمات داشته است. بنابراین، برنامه‌ریزی برای توسعه صادرات خدمات از جانب سیاست‌گزاران بخش‌های دولتی و خصوصی باید با ارزیابی درست از مؤلفه‌های نهادی و اقتصادی در ساختار شرکای تجاری انجام گیرد.

طبقه‌بندی JEL: F13, F33, F55

کلیدواژه‌ها: صادرات خدمات، عوامل نهادی و اقتصادی، کشورهای عضو (OIC)، داده‌های تابلویی.

\* تهران، بزرگراه جلال آل احمد، پل نصر، دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده مدیریت و اقتصاد

تلفن: ۰۲۱-۸۲۸۸۴۶۷۳، ۰۹۱۲۱۴۸۱۶۳۰، دورنگار: ۸۲۸۸۴۶۷۳

## ۱. مقدمه

امروزه در کنار مقوله تجارت کالا، سهم فزاینده تجارت خدمات نشان‌دهنده اهمیت روزافزون مبادلات بین‌المللی در این حوزه است. این بخش به علت تأثیر در فرایند تولید، اشتغال و توسعه اقتصادی برای بسیاری از کشورها، در مقایسه با سایر بخش‌ها از قبیل کشاورزی و صنعت، اهمیتی ویژه دارد. بنابراین، شناسایی عوامل مؤثر و میزان تأثیر آنها در زمینه صادرات خدمات ضرورت موضوع را برجسته می‌کند. به علاوه، باید اذعان داشت که در حوزه تجارت، علاوه بر متغیرهای اقتصادی، مؤلفه‌های نهادی نیز نقش عمده‌ای در میزان و جهت تجارت ایفا خواهند کرد. از آنجا که در صادرات خدمات بنا بر ماهیت غیرملموس بودن آن، بر خلاف صادرات کالایی، عوامل انسانی به همراه تجهیزات و سرمایه‌ها برای ارائه خدمات به خارج از مرزها منتقل می‌شوند، بررسی میزان تأثیر عوامل نهادی در کنار عوامل اقتصادی در مبحث صادرات خدمات نمود بارزتری می‌یابد. از سوی دیگر، با توجه به ساختار اقتصادی و تجاری کشورهای در حال توسعه، بررسی عوامل نهادی در کنار عوامل اقتصادی می‌تواند در سیاست‌گذاری تجاری، تشکیل بلوک‌های تجاری- منطقه‌ای همچون، بازرگاری در ترکیب شرکای تجاری تأثیرگذار باشد. در مطالعات پیشین روی این بخش از مؤلفه‌ها تأکید نشده و بیشتر به تأثیر متغیرهای اقتصادی سطح درآمد، نرخ ارز و عوامل قیمتی در میزان صادرات پرداخته شده است.

این مقاله درصدد است با تکیه بر ادبیات مربوط به تجارت در حوزه بین‌الملل نخست، مبانی نظری و سوابق مطالعاتی موضوع را بررسی کند سپس، به متدولوژی و برآورد مدل‌ها و در نهایت، به نتیجه‌گیری و تحلیل یافته‌ها بپردازد.

## ۲. مبانی نظری پژوهش

مطالعه سیر اجمالی نظریه‌های مربوط به اقتصاد بین‌الملل بر پایه روابط اقتصادی میان کشورها و وابستگی متقابل حاصل از این روابط، به منظور افزایش رفاه اقتصادی، بنا شده است. تأسیس سازمان‌های بین‌المللی و ظهور نهادهای بزرگ اقتصادی بعد از جنگ دوم جهانی، همچون صندوق بین‌المللی پول<sup>۱</sup> و موافقت‌نامه عمومی تعرفه و تجارت<sup>۲</sup> (گات)، به منظور بازسازی اقتصاد کشورهای اروپایی و ارتقای سطح زندگی کشورهای توسعه‌نیافته، باعث شکل‌گیری همگرایی‌های اقتصادی در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی برای توسعه تجارت میان خود شدند. با گسترش توافقات و مذاکرات گات و سازمان جهانی تجارت همچنین، کاهش شدید تعرفه‌ها و موانع غیرتعرفه‌ای، رقابت اغلب بخش‌ها در رشد فناوری و حرکت آزادانه سرمایه و سرمایه‌گذاری خارجی گسترش بسیاری یافت.

1. IMF

2. GATT

در سطح جهانی نیز موافقت‌نامهٔ عمومی تجارت خدمات موسوم به <sup>۱</sup> (GATS) دربردارندهٔ اصول و قواعدی چندجانبه برای تجارت خدمات، با هدف آزادسازی تدریجی و به‌منزلهٔ ابزاری برای رشد اقتصادی و توسعهٔ کشورهاست. در بخش اول موافقت‌نامه، عرضه و تجارت خدمات به چهار شیوه تبیین شده است: شیوهٔ عبور از مرز<sup>۲</sup> دربرگیرندهٔ خدماتی است که انتقال آنها از مرزها به صورت فیزیکی صورت نمی‌گیرد، بلکه از طریق شبکه‌های مخابراتی و به‌منزلهٔ خدمات واسطه‌ای مطرح است. همچنین، خدماتی مانند توریسم که در داخل مرزهای یک کشور به مصرف‌کنندگان کشورهای دیگر ارائه می‌شود بیانگر شیوهٔ مصرف در خارج<sup>۳</sup> است. شیوهٔ سوم حضور تجاری<sup>۴</sup> است که دلالت بر خدماتی دارد که از طرف یک سازمان تجاری یا مالی به کشور دیگر منتقل می‌شود؛ معمولاً، این نوع خدمات همراه با سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی صورت می‌گیرد؛ از جمله خدمات بانکداری و بیمه. حضور (جابه‌جایی) اشخاص حقیقی<sup>۵</sup> شیوهٔ چهارم عرضهٔ خدمات است که اتباع یک کشور در داخل کشورهای دیگر انجام می‌دهند؛ از قبیل اجرای پروژه‌های ساختمانی، خدمات مهندسی و حفر چاه‌های نفتی.

اهداف و اصول مندرج در گاتس با رویکرد برداشتن موانع تجاری به گسترش و شکل‌گیری استراتژی‌های توسعهٔ صادرات، برجسته‌ترشدن مفاهیم رقابت‌مندی و ایجاد فضای رقابتی برای تجارت انجامید. بنابراین، عوامل تعیین‌کننده در فضای رقابت با در نظر گرفتن فضای اقتصاد کلان کشورها در نظریات مدل الماس ملی پورتر<sup>۶</sup> (۱۹۱۹) نمود پیدا کرد. پورتر در تئوری مزیت رقابتی ملل می‌گوید که یک کشور می‌تواند بنگاه‌ها و مؤسسات تابعهٔ خود را در محیط تجارت بین‌الملل تحت تأثیر چهار عامل شرایط تقاضا، صنایع پشتیبان و مرتبط، عوامل تولید و استراتژی ساختار و رقابت بنگاه‌ها حمایت کند. این عوامل اگر در یک کشور از قوت کافی برخوردار باشند، بنگاه‌های اقتصادی این کشور توان رقابت بالایی در صحنهٔ تجارت بین‌الملل خواهند داشت. پورتر همچنین، تأثیر دو عامل اقدامات دولت و رویدادهای اتفاقی را حائز اهمیت می‌داند.

به طور کلی باید اذعان داشت که در نظریهٔ پورتر به نوعی از تأثیرگذاری عوامل اقتصادی، نهادی و محیطی در توسعهٔ صادرات سخن به میان آمده است. به این منظور، دستیابی به نهادهای قوی و کارا همچنین، ماندگاری آنها موضوعی مهم در بیشتر کشورهاست. از آنجا که اقتصادهای نهادگرایی جدید به دامنه‌ای از تئوری نئوکلاسیکی گرایش دارند، داگلاز نورث<sup>۷</sup> برندهٔ جایزهٔ نوبل

1. General Agreement Trade in Services
2. Cross border supply
3. Consumption abroad
4. Commercial presence
5. Presence of natural persons
6. Porter's National Diamond
7. Douglas North

اقتصاد (۱۹۹۰) بر آن است که وجود نهادها برای عملکرد مؤثر اقتصادهای مبتنی بر بازار بنیادی است. از دیدگاه نورث نهادها قوانین بازی<sup>۱</sup> در جامعه‌اند، یا به عبارتی سنجیده‌تر، قیودی وضع شده از جانب افرادند که روابط متقابل انسان‌ها با یکدیگر را شکل می‌دهند و در نتیجه آن نهادها باعث می‌شوند که انگیزه‌های نهفته در مبادلات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی در یک ساختار شکل گیرند.

اجماع صاحب‌نظران در اهمیت بسیار نهادها بر این نکته دلالت دارد که تفاوت‌های نهادی<sup>۲</sup> می‌تواند منبع مزیت رقابتی در تجارت میان کشورهای پیشرفته (شمال) و کشورهای در حال توسعه (جنوب) باشد و این بستگی به ویژگی‌های این مبادله تجاری دارد. در کشورهای پیشرفته، نهادهای بهتر<sup>۳</sup> الگوی مزیت رقابت نهادی<sup>۴</sup> را ارائه می‌دهند. فرانکوویس و هویکمن<sup>۵</sup> (۲۰۰۹)، دو و لوچنکو<sup>۶</sup> (۲۰۰۹) و گراسمن و هلپمن<sup>۷</sup> (۲۰۰۵) پایه تئوریکی این مبحث را در اقتصاد بین‌الملل و در چهارچوب قراردادهای ناقص<sup>۸</sup> پایه‌ریزی کرده‌اند.

این مبحث با پارادایم تجاری هکسور- اوهلین<sup>۹</sup> شروع می‌شود. یک اقتصاد با دو عامل تولید نیروی کار (L) و سرمایه (K) و سه کالا یا سه نوع خدمات در نظر گرفته می‌شود. دو کالا یا خدمات اول هر یک فقط با یک عامل تولید یا عرضه می‌شوند و بسته به فراوانی عامل تولید به‌کار رفته در آنها می‌توانند کالا یا خدمات کاربر<sup>۱۰</sup> یا کالا و خدمات سرمایه‌بر<sup>۱۱</sup> باشند. به این منظور کالا یا خدمت سوم (M) نیز به صورت ترکیبی از هر دو عامل تولید در این اقتصاد در نظر گرفته می‌شود. کالا (خدمات) M که با فناوری لیغونتیف<sup>۱۲</sup> تولید یا عرضه می‌شود واحدی از نیروی کار را با (X) واحد از سرمایه ترکیب می‌کند تا (y) واحد از کالا (خدمات) M را تولید یا عرضه کند. از آنجا که نقش مهم نهادها در تسهیل مبادلات و کاهش هزینه مبادله<sup>۱۳</sup> میان اقتصادهای معین کشورهاست و کالا (خدمات) M نیز به ترکیب دو عامل تولید معین اشاره دارد، می‌توان کالا (خدمات) M را به‌منزله یک کالا (خدمات) وابسته نهادی<sup>۱۴</sup> پذیرفت.

- 
1. The Rules of the Game
  2. Institutional Differences
  3. Better Institutions
  4. Institutional Comparative Advantage
  5. Francois and Hoekman
  6. Levchenko
  7. Grossman and Helpman
  8. Incomplete Contracts
  9. Hechscher - Ohlin
  10. Labor Intensive
  11. Capital Intensive
  12. Leontief Technology
  13. Transaction Cost
  14. Institutionally Dependent

برای لحاظ کردن دیدگاه محدودیت‌های تجاری و هزینه مبادله<sup>۱</sup> کوز (۱۹۳۷)، جزء  $(\Phi)$  برای کالا (خدمات)  $M$  که وابسته نهادی یا نهادبر است در مدل‌سازی استفاده می‌شود. در واقع  $(\Phi)$  حاصل ویژگی‌های تکنیکی از فرایند تولید است و زمانی که  $\Phi=0$  باشد، نشان‌دهنده وجود نهادهای کاملاً کارا در اقتصاد است.

چهارچوب مدل در مجموعه‌ای تجاری در سطح بین‌الملل و با دو جزء موجودی عوامل<sup>۲</sup> و تفاوت‌های نهادی<sup>۳</sup> پایه‌ریزی شده است. حال فرض می‌شود در اقتصاد دو کشور پیشرفته یا شمال (N) و کشور در حال توسعه یا جنوب (S) وجود دارند که می‌توانند بدون ایجاد هزینه با همدیگر مبادله و تجارت کنند. بردار موجودی عوامل دنیا معادل  $\bar{V} = (\bar{K}, \bar{L})$  و برای دو کشور به صورت  $[\bar{L} = L_N + L^S \text{ و } \bar{K} = K^S + K^N]$  است؛ به طوری که،  $(V^N, V^S) = [K^N, L^N), (K^S, L^S)]$  نهادهای بهتر و کارا تر در کشور شمال به صورت  $\Phi^N < \Phi^S$  هستند.

حال باید الگوی تجاری را تعیین کرد. تفاوت در کیفیت نهادی همانند تفاوت بهره‌وری ریکاردویی<sup>۴</sup> در بخش (M) عمل می‌کند و باعث شکل‌گیری مزیت رقابتی و تجارت بین دو کشور خواهد بود. تعادل تجاری می‌تواند با رویکرد مدل ریکاردو-هکشر-اوهلین<sup>۵</sup> تجزیه و تحلیل شود. نقطه آغاز تحلیل یک تعادل یکپارچه<sup>۶</sup> است که در آن تخصیص منابع تحت تحرک کامل عوامل<sup>۷</sup> تولید انجام می‌گیرد.

کل رفاه کشور جنوب در وضعیت فقدان تجارت به صورت  $r^S K^S + w^S L^S + \Phi^S r^S x E^S L^S$  و رفاه این کشور در وضعیت شکل‌گیری تجارت به صورت  $r^T K^S + w^T L^S$  است.  $r$  و  $w$  پرداختی به عوامل تولید سرمایه (K) و نیروی کار (L) را بیان می‌کنند. برای تفهیم بهتر موضوع قضیه<sup>۸</sup> زیر بررسی می‌شود:

قضیه<sup>۱</sup>: فرض کنید تجارت بین دو کشور شمال و جنوب صورت می‌گیرد؛ به نحوی که،

$(V^N, V^S) \in FPE$  و  $\frac{K^N}{L^N} = \frac{K^S}{L^S}$  است. منافع مزیت رقابتی نهادی کشور جنوب معادل

$[(r^T - r^S)K^S + (w^T - w^S)L^S] - \Phi^S r^S x E^S L^S$  است؛ به گونه‌ای که جمله اول مثبت و  $r^T > r^S$  و  $w^T > w^S$  و نیز  $\Phi^N$  در حال کاهش و  $\Phi^S$  در حال افزایش است. بنابراین، زمانی

1. Coase
2. Factor Endowment
3. Institutional Differences
4. Ricardian Productivity Difference
5. Hechscher - Ohlin - Ricardo Model
6. Integrated Equilibrium
7. Perfect Factor Mobility
8. Proposition

که  $\Phi^N \rightarrow \Phi^S$  آنگاه  $\text{Lim}[(r^T - r^S)K + (w^T - w^S)L^S] = 0$ .

جمله دوم  $(\Phi^S r^S x E^S L^S)$  مثبت است و به  $\Phi^N$  وابسته نیست و می‌توان گفت  $\Phi^S$  در مقادیر به نسبت کم، ولی در حال افزایش مثبت است. جمله مثبت  $[(r^T - r^S)K^S + (w^T - w^S)L^S]$  بیانگر این موضوع است که کارایی و اثربخشی کوتاه‌مدت کشور جنوب با استفاده از نهادهای این کشور در تولید کالا یا عرضه خدمات (M) حاصل می‌شود. جمله دوم  $(\Phi^S r^S x E^S L^S)$  بیان می‌دارد که چون در کشور جنوب بخش M حذف می‌شود، نبود رانت اتفاق می‌افتد.

قضیه (۱) بر این موضوع هم دلالت دارد که منافع تجارت برای کشور جنوب همواره با وجود کیفیت نهادهای شمال افزایش می‌یابد. نهادهای جنوب اثرگذاری مبهمی در منافع کشور جنوب در زمان برقراری تجارت دارند. در یک سو، نهادهای بدتر<sup>۱</sup> در کشور جنوب به صورت ضمنی منافی معادل  $[(r^T - r^S)k^S + (w^T - w^S)L^S]$  در جریان تجارت با کشور شمال به دست می‌آورند که بزرگ‌تر از یک مقدار مشخص  $\Phi^N$  است؛ از سوی دیگر، ممکن است اندازه رانت در حالت فقدان تجارت با میزان بالاتر  $\Phi^S$  افزایش یابد و در فرایند شکل‌گیری تجارت، کشور جنوب متحمل ضرر شود. برای جمع‌بندی و نتیجه‌گیری موضوعات پیش‌گفته بهتر است منافع تجارت به دو بخش منافع ناشی از تفاوت در فراوانی عوامل<sup>۲</sup> و منافع ناشی از تفاوت‌های نهادی تقسیم‌بندی شوند. اگر قیمت‌های عوامل در حالت فقدان تجارت  $(\tilde{W}^S)$  و  $(\tilde{r}^S)$ ، موجودی عوامل کشور جنوب  $(K^S, L^S)$  و نهادهای کشور شمال  $(\Phi^N)$  تعریف شوند، در آن صورت منافع تجارت به صورت زیر خواهد بود:

$$(\underbrace{r^T K^S - \tilde{r} K^S}_{\text{منافع بر پایه نسبت‌های عوامل}}) + (\underbrace{w^T L^S - \tilde{w} L^S}_{\text{منافع بر پایه مزیت رقابت نهادی}}) - (r^S k^S + w^S L^S + \Phi^S r^S x E^S L^S)$$

جمله اول بیان می‌کند زمانی که  $\frac{K^S}{L^S} = \frac{K^N}{L^N}$  و قیمت‌های عوامل در دو وضعیت فقدان تجارت و برقراری تجارت یکسان‌اند  $(\tilde{r} = r^T, \tilde{w} = w^T)$  در نتیجه جمله اول از بین می‌رود. جمله دوم نیز نمایانگر منافع تجارت در قالب تفاوت‌های نهادی است که موضوع قضیه (۱) است.

### ۳. شاخص‌های نهادی و مکانیسم تأثیر در صادرات

در ادبیات نظری اکثر مطالعات، عامل نهادی با شش گروه شاخص جداگانه شامل حق اظهار نظر و

1. Worse Institution  
2. Factor Abundance

پاسخگویی (VA)<sup>۱</sup>، ثبات سیاسی (PSV)<sup>۲</sup>، حاکمیت قانون (ROL)<sup>۳</sup>، کنترل فساد (COC)<sup>۴</sup>، کیفیت مقررات (RQ)<sup>۵</sup>، اثربخشی دولت (GF)<sup>۶</sup> و شاخص حکمرانی (GOCER)<sup>۷</sup> تبیین شده است. شاخص اثربخشی دولت بیانگر کیفیت سرویس‌های اجتماعی و مداخله‌نکردن دولت و سیاست (در اقتصاد) است و معرف قوانین اقتصادی است؛ به طوری که، مقادیر بالاتر آن نشان‌دهنده دخالت کمتر دولت در اقتصاد است و درجه کمتری از هزینه مبادله و صادرات بیشتر را نشان می‌دهد. به علاوه، کیفیت تهیه و تدارک خدمات عمومی، استقلال خدمات همگانی از فشارهای سیاسی و صلاحیت و شایستگی کارگزاران را نیز تبیین می‌کند.

ثبات سیاسی بیانگر مفاهیمی مانند ناآرامی‌های اجتماعی، کودتا، آشوب‌های شهری، تنش‌های قومی و انتقال آرام قدرت در سطوح بالاست. بی‌ثباتی سیاسی از مجاری سرمایه و نیروی کار می‌تواند در کاهش روابط تجاری و تغییر در ترکیب شرکای تجاری اثرگذار باشد و مطابق پیش‌بینی این اثر منفی است.

اعتماد مردم به قوانین، جرم‌های سازمان‌یافته و احتمال موفقیت در شکایت علیه دولت از جمله مؤلفه‌های سنجش شاخص حاکمیت قانون‌اند. بنابراین، اگر حقوق مالکیت خوب تأمین نشده باشد - برای مثال به سبب جرم و جنایت بیشتر، نرخ‌های بالای مالیات یا احتمال بالای مصادره اموال از سوی دولت - صادرکنندگان در زمینه ارائه خدمات در کشورهای با این ویژگی‌ها تجدید نظر خواهند کرد و پیامد آن کاهش صادرات خدمات و کالاها خواهد بود.

شاخص کیفیت بوروکراسی و مقررات بیانگر مفاهیمی چون مقررات دست‌وپاگیر، مداخله دولت در اقتصاد، سیاست‌های رقابتی، موانع تعرفه‌ای و غیرتعرفه‌ای و دسترسی به بازارهای سرمایه است. شاخص حق اظهار نظر و پاسخگویی بیانگر مفاهیمی چون حقوق سیاسی، آزادی بیان و تجمعات سیاسی و اجتماعی، آزادی مطبوعات، میزان نمایندگی حکام از طبقات اجتماعی و فرایندهای سیاسی در برگزاری انتخابات است که با عنوان شاخص دموکراسی تبیین‌شدنی است. شاخص کنترل فساد نشان‌دهنده نقش دولت در کنترل فساد در جامعه و معرف شاخص اجراست. این شاخص به گونه‌ای محاسبه شده که مقادیر بیشتر آن بیان‌کننده فساد کمتر و به تبع آن هزینه مبادله کمتر در جامعه است.

شاخص حکمرانی به صورت میانگین ساده از شاخص‌های مذکور است. دستیابی به حکمرانی

1. Voice and Accountability
2. Political Stability no Violence
3. Rule of Law
4. Regulatory Quality
5. Control of Corruption
6. Government Effectiveness
7. Governance Index

خوب از یک کشور به کشور دیگر متفاوت است، ولی آهنگ توسعه حکمرانی به طور مشخص برای الحاق در اقتصاد جهانی تأثیر فزاینده‌ای دارد. این مهم در دیدگاه‌های کاوفمن و همکارانش<sup>۱</sup> (۲۰۰۴) به وضوح پدیدار شده است؛ به گونه‌ای که، کشورهایی که برای شکل‌گیری و بهبود حکمرانی خوب تلاش می‌کنند ساختار تجاری‌شان نیز ارتقا می‌یابد و این به‌ویژه برای کشورهای با سطوح درآمدی پایین و متوسط حائز اهمیت بیشتری است. به نظر گانی و پراساد<sup>۲</sup> (۲۰۰۶)، ادبیات موضوع در حوزه ارتباط میان کیفیت نهادی، حکمرانی و تجارت اندک است. برخی از اندیشمندان اهمیت رو به افزایش کیفیت نهادی برای تجارت همچنین، فرایند همگرایی‌های اقتصادی را مستندسازی کرده‌اند.

در خصوص مکانیسم این روند باید اشاره کرد که ممکن است نهادها به صورت غیرمستقیم و از طریق تأثیرشان در متغیرهای دیگر تعیین‌کننده تجارت موجب تأثیر در تجارت شوند. سرمایه‌گذاری و بهره‌وری به صورت غیرمستقیم در تجارت تأثیرگذارند و به آنها در مطالعات رودریک<sup>۳</sup> (۱۹۹۵) و ناک و کیفر<sup>۴</sup> (۱۹۹۵) تأکید شده است. به نظر آنان نهادهای کارا بهره‌وری و رشد اقتصادی را تحت تأثیر قرار می‌دهند؛ به گونه‌ای که، بهره‌وری پایین عاملی بازدارنده برای رقابت است که می‌تواند اثر معنی‌داری در تجارت داشته باشد. نتیجه این روند به کاهش هزینه مبادله و افزایش صادرات منجر می‌شود که در دیدگاه‌های کوز (۱۹۳۷)<sup>۵</sup> نمود واقعی دارد. در ادامه به معرفی شاخص‌های مورد نظر پرداخته می‌شود.

جمع‌بندی این ایده‌ها برای تأثیرگذاری عوامل اقتصادی و نهادی در توسعه صادرات بر این امر دلالت دارد که اگر در اقتصاد کشوری نهادهای قانونی و اجتماعی مناسب ایجاد شوند، دانش و بهره‌وری حالت درون‌زا پیدا کنند، کیفیت نهادینه شود، نوآوری به صورت خودافزا رشد کند، قدرتهای فردی و انحصاری اقتصادی مهار و محدود شوند، اخلاصها و موانع تعامل پویای بخش‌ها از میان برداشته شوند، در آن صورت تخصیص بهتر منابع با هزینه مبادله کمتر در توسعه تجارت و صادرات همراه خواهد بود.

#### ۴. سوابق مطالعاتی موضوع

نتایج مطالعه گانی و پراساد (۲۰۰۶) در بررسی کیفیت نهادی روی تجارت در کشورهای منتخب حوزه اقیانوس آرام نشان می‌دهد که اثربخشی دولت در حوزه واردات بیشتر از صادرات اهمیت دارد

1. Kaufmann and et al.
2. Gani and Prasad
3. Rodrik
4. Knack and Keefer
5. Ronald Coase



و بدتر شدن حاکمیت قانونی به کاهش صادرات در کشورهای مذکور منجر شده است. مطالعات مئون و اسکات<sup>۱</sup> (۲۰۰۴) نشان می‌دهد که در کشورهای عضو منا<sup>۲</sup>، کاهش تدریجی در کیفیت نهادها با عملکرد پایین صادرات و کاهش جذب سرمایه‌گذاری خارجی مرتبط است. به نظر اندرسون<sup>۳</sup> و مارکویلر<sup>۴</sup> (۲۰۰۱) نهادهای با عملکرد ضعیف به تجارت خارجی آسیب می‌رسانند و در نهایت هزینه‌ها و ریسک تجارت با خارج از کشور را افزایش می‌دهند؛ با شواهد و مستندات تجربی نشان می‌دهند که بدتر شدن اثر کیفیت نهادها به کاهش تقاضای خارجی می‌انجامد. مطالعهٔ دلار و کراین<sup>۵</sup> (۲۰۰۳) رابطهٔ مثبت میان درجهٔ باز بودن اقتصاد و کیفیت نهادی را به صورت یک رابطهٔ علی دوطرفه تأیید می‌کند.

در مطالعهٔ عیسی‌زاده و احمدزاده (۱۳۸۸) نیز اثر نهادهای عمومی حاکمیتی از قبیل حاکمیت قانون، ثبات سیاسی، کیفیت بوروکراسی، اثربخشی دولت و کنترل فساد در رشد اقتصادی مثبت و معنی‌دار، ولی اثر عامل حق اظهار نظر و پاسخگویی یا شاخص دموکراسی مثبت و غیرمعنی‌دار است. نتایج مطالعهٔ مهرآرا و رضایی (۱۳۸۹) بیان می‌دارد که چنانچه کیفیت نهادها در کشورهای در حال توسعه کمتر از سطح آستانهٔ برآورد شده باشد، آزادسازی تجاری تأثیری منفی یا بی‌اهمیت در نرخ رشد اقتصادی دارد. در مطالعهٔ مشیریان<sup>۶</sup> (۲۰۰۷)، رقابت‌پذیری قیمت<sup>۷</sup> عامل تعیین‌کنندهٔ جریان تجاری در بخش خدمات حمل‌ونقل و توریسم همانند تجارت در کالاهای کارخانه‌ای است. به علاوه، تغییرات و نوسانات نرخ ارز در اندازهٔ خدمات این بخش‌ها تأثیرگذارند. احمدزاده (۱۳۸۸) نقشهٔ راه توسعهٔ صادرات خدمات فنی و مهندسی در بازار کشورهای عضو (OIC) را در سند چشم‌انداز بیست سالهٔ کشور بررسی کرده است. بررسی پتانسیل‌ها و عملکرد این حوزه در مجموعهٔ کشورهای مذکور از اهداف این مطالعه بوده است. یافته‌های صادقی‌فروشان (۱۳۸۵) بیانگر آن است که به‌رغم اینکه صادرات خدمات فنی و مهندسی در مدل الماس پورتر شرایط مطلوبی از حیث شرایط چهارگانهٔ مدل پورتر داراست، ولی عوامل دیگر کلان‌کشوری از جمله گستردگی بخش دولت و بهره‌وری پایین موجب شکوفان شدن رقابت‌پذیری این صنعت و در نهایت، سهم اندک این خدمات در جهان شده است. مطالعات احمدزاده (۱۳۹۱)، حسینی (۱۳۸۶)، توفیقی (۱۳۸۱)، شکوه سادات (۱۳۸۴)، فرانکوویس و هویکمن (۲۰۰۹) و کیتنسی (۲۰۱۰) از دیگر مطالعاتی است که به شیوه‌های مختلف به صادرات خدمات و نیز زیربخش‌های آن پرداخته است.

1. Meon and Sekkat
2. MENA
3. Anderson
4. Anderson and Marcouiller
5. Dollar and Kray
6. Moshirian
7. Price Competitiveness

### ۵. متدولوژی، ارائه مدل و تعریف عملیاتی متغیرها

روش برآورد مدل در مطالعه حاضر بر اساس داده‌های تلفیقی<sup>۱</sup> است و این روش ترکیبی از اطلاعات سری زمانی<sup>۲</sup> و داده‌های مقطعی<sup>۳</sup> است. از مزایای استفاده از این نوع داده‌ها می‌توان به افزایش حجم نمونه، کاهش هم‌خطی، افزایش کارایی، کاهش تورش تخمین، محدودشدن ناهمسانی واریانس و امکان تفکیک‌پذیری تأثیرات اقتصادی و ... اشاره کرد (هشیائو<sup>۴</sup>، ۲۰۰۳). در مدل‌های پانل، بعضی از متغیرها بین واحدهای مقطعی یا طی زمان تغییر می‌کنند. برای لحاظ کردن این تفاوت‌ها از دو الگوی تأثیرات ثابت<sup>۵</sup> (FEM) و تصادفی<sup>۶</sup> (REM) استفاده می‌شود. در الگوی تأثیرات ثابت، فرض بر آن است که تفاوت میان مقاطع می‌تواند در جمله ثابت ظاهر شود. در الگوی تأثیرات تصادفی، فرض می‌شود که تفاوت میان مقاطع می‌تواند در جمله اخلال ظاهر شود. نخست، باید در خصوص استفاده از پانل برای مطالعه حاضر آزمون مربوطه انجام پذیرد. به عبارت دیگر، در صورتی که کشورها همگن باشند، می‌توان به‌سادگی از روش حداقل مربعات معمولی<sup>۷</sup> (OLS) استفاده کرد. آماره آزمون در آزمون فرضیه به صورت زیر است:

$$(۱) F = \frac{(RSS_R - RSS_{UR}) / (N - 1)}{(RSS_{UR}) / (NT - N - K)}$$

آماره هاسمن<sup>۸</sup> برای گزینش هر یک از دو روش تأثیرات تصادفی و تأثیرات ثابت بنا شده است؛ به طوری که، با پذیرش فرضیه صفر کارایی روش تأثیرات تصادفی تأیید می‌شود و برعکس. محاسبه این آماره به صورت توزیع  $\chi^2$  با درجه آزادی  $k$  در روابط زیر بیان شده است.

$$(۲) \chi^2(k) = (b - \hat{\beta}) \sum^{-1} (b - \hat{\beta})$$

$$Var(a, \beta') = Var(b) - Var(\beta') = \sum$$

در این رابطه،  $b$  ضرایب برآورد روش تأثیرات ثابت و  $\beta'$  برآورد روش تأثیرات تصادفی است. در این تحقیق نیز، با عنایت به پایه‌های نظری و سوابق تحقیقاتی در پژوهش‌های دیگر، می‌توان مدل کلی مورد استفاده با رویکرد پانل - دیتا با در نظر گرفتن برداری از متغیرهای مستقل را به صورت ذیل ارائه کرد:

1. Panel Data.
2. Time Series.
3. Cross Section.
4. Hessiao.
5. Fixed Effect Model.
6. Random Effect Model.
7. Ordinary Least Squares
8. Hausman Test

$$LSERV_{it} = \beta_i + \beta_1 LGDPC_{it} + \beta_2 LRER_{it} + \beta_3 INF_{it} + \beta_4 MOBIL_{it} + \beta_5 FDIG_{it} + \beta_6 Z_{it} + \beta_7 Dum_{it} + \beta_8 \varepsilon_{it}$$

متغیرهای مورد استفاده در مدل عبارت‌اند از: میزان کل صادرات خدمات در کشورهای مورد مطالعه ( $SERV_{it}$ )، تولید ناخالص داخلی سرانه ( $GDP_{it}$ )، نرخ مؤثر واقعی ارز ( $RER_{it}$ )، نرخ تورم یا تغییر در شاخص قیمت مصرف‌کننده ( $INF_{it}$ )، تعداد استفاده‌کنندگان از تلفن ثابت و موبایل به ازای هر صد نفر مشترک ( $MOBIL_{it}$ )، نسبت میزان ورود سرمایه‌گذاری خارجی کشورها به GDP آنها ( $FDIG_{it}$ )، متغیر موهومی ( $DUM$ )، دربرگیرنده متغیر وجود یا نبود عضویت در بلوک‌های تجاری منطقه ( $D8, ECO$ ) و بردار شاخص‌های نهادی ( $Z$ ).

محاسبه شاخص‌های نهادی مذکور نیز بر پایه محاسبات تعریف‌شده‌ای است که در بانک جهانی انجام گرفته است. در این مطالعه، برای برآورد کل صادرات خدمات، دوره زمانی (۱۹۹۴-۲۰۱۱) و ۳۷ کشور منتخب عضو (OIC) در نظر گرفته شده است. همچنین، انتخاب کشورها بر اساس همگونی در ساختار اقتصادی و تجاری مطابق طبقه‌بندی بانک جهانی و نیز محدودیت آمار و داده بوده است.

گفتنی است که محاسبه این شاخص‌ها بر پایه روش‌هایی است که کارشناسان بانک جهانی با عنوان (Governance Matter)<sup>۱</sup> محاسبه کرده‌اند. اطلاعات و داده‌های مورد نیاز برای این پژوهش از طریق منابع کتابخانه‌ای، سایت‌های بانک جهانی<sup>۲</sup> (WDI)، سازمان جهانی تجارت و انکتاد تهیه شده است.

## ۶. بررسی یافته‌های تحقیق

قبل از برآورد مدل، لازم است مانایی متغیرهای مورد استفاده در مدل سنجش شود. برای این منظور شش روش از مهم‌ترین آزمون‌های ریشه واحد به کار می‌روند. این روش‌ها عبارت‌اند از: آزمون لوین، لین و چو<sup>۳</sup> (LLC)، آزمون ایم، پسران و شین<sup>۴</sup> (IPS)، آزمون‌های فیشر-ADF و فیشر-PP، آزمون برایتونک<sup>۵</sup> و آزمون هدری<sup>۶</sup>. در جدول ۱، نتایج مربوط به آزمون‌های ریشه واحد آورده شده است. مطابق یافته‌های این مطالعه همه متغیرهای مورد آزمون در حالت سطح پایا هستند و فرضیه صفر مبنی بر وجود ریشه واحد رد می‌شود.

1. Kaufmann, d, Kraay, A, Mastruzzi, Massimo
2. World Development Indicator (WDI)
3. Levin, Lin & Chu
4. Im, Pesaran and Shin W-stat
5. Breitung t-stat
6. Hadri

جدول ۱. نتایج آزمون ریشه واحد در داده‌های تابلویی برای متغیرهای مورد استفاده در مدل

متغیرها	حالت دارای عرض از مبدأ و بدون روند	دارای عرض از مبدأ و روند	نوع آزمون
LSERV?	-	-۳/۴۷ (۰/۰۰۰۳)	LLC
LGDP?	-	-۱/۹۶ (۰/۰۲۴)	IPS
LRER?	-۲/۱۳ (۰/۰۱۶)	-	Breitung t-stat
INF?	۵۹۶ (۰/۰۰۰)	-	PP-Fisher *
FDIG?	-	۸/۰۷ (۰/۰۰۰)	LLC*
MOBIL?	۲۳۵ (۰/۰۰۱)	-	ADF
COC?	(*)	-۲/۶۲ (۰/۰۰۴)	IPS*
ROL?	(*)	-۳/۶۶ (۰/۰۰۰۱)	IPS*
VA?	(*)	-۲/۳۸ (۰/۰۰۶)	IPS*
GE?	(*)	-۴/۲۹ (۰/۰۰۰)	IPS*
RQ?	(*)	-۲/۷۳ (۰/۰۰۳)	IPS*
GOVER?	-۵/۱۹ (۰/۰۰۰)	-	LLC

ارقام داخل پرانتز معرف (P-Value) است. علامت (\*) بدین معنی است که دیگر شاخص‌ها نیز نبود ریشه واحد را تأیید می‌کنند، ولی در اینجا یکی از شاخص‌ها یا حالت‌ها گزارش شده است. به منظور انتخاب بین مدل داده‌های تلفیقی<sup>۱</sup> و داده‌های تابلویی همچنین، مدل با تأثیرات ثابت و تأثیرات تصادفی، با آزمون‌های لیمر<sup>۲</sup> و هاسمن، فرضیه‌های مورد نظر آزمون شده است. در همه مدل‌های مورد آزمون، فرضیه  $(H_0)$  مبنی بر یکسان بودن عرض از مبدأها در مقابل فرضیه مخالف  $(H_1)$  رد شد؛ بنابراین، روش داده‌های تابلویی برای برآورد مدل‌ها انتخاب شد. همچنین، آماره آزمون هاسمن برای همه این مدل‌ها معنی‌دار است که دلالت بر لزوم استفاده از الگوی تأثیرات ثابت دارد؛ به عبارت دیگر، در همه آنها فرضیه  $(H_0)$  مبنی بر استقلال اثر واحدهای مقطعی از متغیرهای مستقل رد می‌شود. میزان آماره آزمون هاسمن در همه مدل‌های برآوردشده در بازه  $(۲۶/۲-۲۹/۴)$  به صورت معنی‌داری بر مدل با تأثیرات ثابت تأکید می‌کند. گفتنی است، برای جلوگیری از پدیده هم‌خطی در مدل انتخابی، هر یک از شاخص‌های نهادی در مدلی جداگانه برآورد شده‌اند و در اکثر مطالعات در این حوزه این رویه رعایت شده است. مطابق یافته‌های پژوهش در همه مدل‌های برآوردشده، انتخاب مدل بهینه و تصریح‌شده به

1. Pooling Data  
2. Limmer

منظور میزان توضیح‌دهندگی متغیرهای مستقل همچنین، خوبی برازش مدل با ضریب تعیین بالای ۹۵ درصد تبیین‌شدنی است.

در مدل برآوردی اول که بدون لحاظ متغیرهای نهادی و بلوک‌های منطقه‌ای انجام گرفته است، همه متغیرها به جز نرخ تورم در سطح معنی‌داری بالایی پذیرفته شده‌اند. البته علامت منفی نشان‌دهنده رابطه معکوس با صادرات است که از نظر تئوریک هم مورد تأیید است. به علاوه، علامت مثبت تولید سرانه و متغیرهای زیرساخت و سرمایه‌گذاری نیز بر رابطه مستقیم آنها در میزان صادرات خدمات دلالت دارد. در مدل دوم با وارد کردن متغیرهای نمایانگر همگرایی‌های منطقه‌ای - عضویت کشورهای مورد مطالعه در اتحادیه‌های منطقه‌ای (ECO) و (D8) - معنی‌داری نرخ تورم با علامت منفی هم افزایش یافته است.

در این معادله نیز معنی‌داری دیگر متغیرها در سطح خطای کمتر از یک درصد درخور تأمل است. در تصریح مدل سوم، با ورود اولین متغیر نهادی شاخص اثربخشی دولت، اندازه ضریب تعیین مدل افزایش می‌یابد و معنی‌داری همه ضرایب در سطح بالایی پذیرفته می‌شود. علامت منفی شاخص اثربخشی دولت بیان می‌دارد که عملکرد دولت‌ها در میزان صادرات خدمات اثری منفی داشته است؛ به عبارت دیگر، توانایی دولت‌ها در تدوین و اجرای سیاست‌های صحیح در حوزه صادرات خدمات کارایی لازم را نداشته است.

همچنین، اثرگذاری نرخ ارز روی صادرات مثبت ارزیابی می‌شود که از نظر تئوریک نیز مورد تأیید است. مدل‌های برآوردشده (۵) و (۶) حاکی از رابطه منفی شاخص ثبات سیاسی کشورهای مورد مطالعه با صادرات خدمات است؛ به گونه‌ای که، بی‌ثباتی سیاسی یا ثبات سیاسی اندک به کاهش صادرات خدمات در این کشورها طی دوره مذکور منجر می‌شود. معادلات برآوردی (۷) و (۸) نشان می‌دهد که شاخص کنترل فساد در کشورهای مذکور به همراه نرخ تورم به کاهش صادرات خدمات انجامیده است؛ به گونه‌ای که، سطح فساد بیشتر و تورم بالاتر کاهش صادرات را در پی داشته است.

همچنین، دیگر متغیرها نظیر نرخ ارز، تولید سرانه، دسترسی به زیرساخت‌های ارتباطی و ورود سرمایه‌ها به داخل کشورها به همراه عضویت در سازمان همکاری‌های منطقه‌ای به افزایش صادرات خدمات در سطح معنی‌داری بالایی منجر شده است. متغیر کیفیت مقررات در کشورهای مورد مطالعه در هر دو معادله برآوردی (۹) و (۱۰) معنی‌دار نبوده است همچنین، علامت‌های آن در هر معادله متفاوت است و حتی معنی‌داری نرخ تورم با علامت مثبت هم تأیید نشده است، ولی دیگر متغیرهای مدل معنی‌دارند. شاخص حاکمیت قانون از دیگر متغیرهای نهادی است که کاهش صادرات خدمات را در این کشورها در پی داشته است؛ به عبارت دیگر، در این کشورها قانون‌گریزی برای ارتقای صادرات نامطلوب ارزیابی می‌شود. همچنین، دیگر متغیرهای مدل‌های (۱۱) و (۱۲) با

معنی داری در خور قبولی تأیید می‌شوند. نتایج مربوط به تصریح مدل‌های (۱۳) و (۱۴) نشان می‌دهد که شاخص حق اظهار نظر و پاسخگویی روی صادرات خدمات تأثیر مثبت داشته است. به نظر می‌رسد تحولات دهه‌های اخیر و آگاهی‌های مدنی در کشورهای مورد مطالعه تأثیر مثبت داشته است و این رویه به بهبود صادرات منتج شده است.

عضویت کشورها در بلوک‌های تجاری منطقه و دیگر متغیرهای مدل با معنی داری بالا درصد توضیح بیشتر صادرات خدمات است. در مدل‌های برآوردشده (۱۵) و (۱۶) متغیر شاخص حکمرانی بیان می‌دارد که این شاخص وزنی در سطح معنی داری بالایی روند نزولی صادرات را به همراه داشته است؛ به نحوی که، نظام حکمرانی این کشورها در جهت ارتقای صادرات خدمات نبوده و مانند تورم اثری کاهنده در صادرات داشته است. به علاوه، میزان اهمیت متغیرهای تولید سرانه و نرخ ارز از روی اندازه ضرایب آنها بیان‌شدنی است. تشویق و جذب سرمایه‌های خارجی به همراه ایجاد زیرساخت‌های اطلاعاتی و ارتباطی میزان صادرات را افزایش داده و عضویت کشورهای مورد مطالعه در بلوک‌های تجاری منطقه‌ای (ECO) و (D8) به صادرات بیشتر منتج شده است. در جدول ۲ مطالب مربوط به برآورد مدل‌ها آورده شده است.

#### ۷. نتیجه‌گیری و توصیه‌های سیاستی

رشد در خور تأمل تجارت خدمات طی دهه‌های اخیر در کشورهای مختلف دنیا، از جمله کشورهای در حال توسعه، ضرورت مطالعه بیشتر این حوزه و شناسایی عوامل تأثیرگذار در آن را برجسته می‌کند. شیوه‌های رایج عرضه خدمات در موافقت‌نامه عمومی تجارت خدمات (گاتس) تا حدودی بر تمایز آن به تجارت کالاها استوار است؛ به گونه‌ای که، جابه‌جایی عوامل انسانی و تجهیزات و سرمایه‌ها برای ارائه خدمات در گستره مرز کشورها از این موارد است. بنابراین، علاوه بر عوامل اقتصادی، عوامل نهادی نیز می‌تواند در میزان توسعه صادرات تأثیری شایان تأمل داشته باشد. این نوشتار نیز اثرگذاری این عوامل در کشورهای عضو (OIC) را با رویکرد همگرایی‌های منطقه‌ای ارزیابی می‌کند.

در پژوهش حاضر رابطه تئوریکی مثبت میان تولید سرانه و نرخ ارز با میزان صادرات خدمات در همه مدل‌ها با معنی داری بالایی تأیید شده است؛ به عبارت دیگر، هر اندازه کشورهای در حال توسعه مذکور در ارتقای تولید سرانه تلاش کنند بر صادرات خدمات آنها افزوده خواهد شد. همچنین، تعیین نرخ معقول و مناسب ارز به‌منزله یکی از مهم‌ترین عوامل رقابت‌پذیری در عرصه بین‌الملل برای ارتقای صادرات می‌تواند در تشویق صادرکنندگان خدمات در کشورهای مورد مطالعه تأثیر بسزایی داشته باشد. از سوی دیگر، اندازه بالاتر ضریب این متغیرها، به‌ویژه تولید سرانه، نسبت

جدول ۲. مدل‌های برآوردشده عوامل اقتصادی و نهادی مؤثر در صادرات خدمات

متغیر وابسته: میزان صادرات خدمات در کشورهای مورد مطالعه								
متغیرهای مستقل	مدل (۱)	مدل (۲)	مدل (۳)	مدل (۴)	مدل (۵)	مدل (۶)	مدل (۷)	مدل (۸)
C	-۷/۰۷ (۰/۰۰۰)	-۴/۸ (۰/۰۰۰)	-۱۶/۶ (۰/۰۰۰)	-۶/۵ (۰/۰۰۰)	-۱۶/۴۵ (۰/۰۰۰)	-۶/۲۲ (۰/۰۰۰)	-۱۵/۷ (۰/۰۰۰)	-۶/۰۸ (۰/۰۰۰)
GDP	۱/۹۳ (۰/۰۰۰)	۱/۵۷ (۰/۰۰۰)	۳/۰۱ (۰/۰۰۰)	۱/۸۳ (۰/۰۰۰)	۲/۹۰ (۰/۰۰۰)	۱/۷۹ (۰/۰۰۰)	۲/۸۳ (۰/۰۰۰)	۱/۷۶ (۰/۰۰۰)
MOBIL	۰/۰۰۹۵ (۰/۰۰۱)	۰/۰۰۹ (۰/۰۰۰)	۰/۰۰۶۸ (۰/۰۰۰)	۰/۰۰۷۵ (۰/۰۰۰)	۰/۰۰۷۸ (۰/۰۰۰)	۰/۰۰۷۷ (۰/۰۰۰)	۰/۰۰۷۷ (۰/۰۰۰)	۰/۰۰۷۵ (۰/۰۰۰)
INF	-۰/۰۰۱ (۰/۳۵)	-۰/۰۰۱ (۰/۲۴)	-۰/۰۰۷۳ (۰/۰۱۷)	۰/۰۰۲۲ (۰/۱۳)	-۰/۰۱۴ (۰/۰۰۴۲)	-۰/۰۰۲۵ (۰/۱۱)	-۰/۰۰۷۳ (۰/۰۱۷)	-۰/۰۰۲ (۰/۱۸)
FDIG	۰/۰۱۱ (۰/۰۰۰)	۰/۰۱۱ (۰/۰۰۰)		۰/۰۰۹ (۰/۰۰۱۱)		۰/۰۰۸۴ (۰/۰۰۳)		۰/۰۰۹ (۰/۰۰۴)
RER			۰/۴۳ (۰/۰۰۵)		۰/۵۳ (۰/۰۰۰۲)		۰/۵۰ (۰/۰۰۱۱)	
ECO		۰/۴۹ (۰/۰۰۰)	۰/۱۷ (۰/۰۰۲)	۰/۲۳ (۰/۰۰۰)	۰/۲۲ (۰/۰۰۰۶)	۰/۲۲ (۰/۰۰۱۲)	۰/۱۳ (۰/۰۲۱)	۰/۱۷ (۰/۰۰۱۲)
D8		۰/۵۱ (۰/۰۰۰)		۰/۰۷۶ (۰/۰۷۳)		۰/۰۹ (۰/۰۰۰)		۰/۰۶۵ (۰/۰۷۰)
GE			-۰/۲۵ (۰/۰۰۵)	-۰/۲۷ (۰/۰۰۵)				

متغیر وابسته: میزان صادرات خدمات در کشورهای مورد مطالعه

PSV					-۰/۲۵ (۰/۰۰۰)	-۰/۲۳ (۰/۰۰۰)		
COC							-۰/۱۳ (۰/۰۱۱)	-۰/۳۰ (۰/۰۰۰۵)
R <sup>2</sup>	۰/۹۳	۰/۹۴	۰/۹۸	۰/۹۶	۰/۹۷	۰/۹۶	۰/۹۸	۰/۹۶
متغیرهای مستقل	مدل (۹)	مدل (۱۰)	مدل (۱۱)	مدل (۱۲)	مدل (۱۳)	مدل (۱۴)	مدل (۱۵)	مدل (۱۶)
C	-۶/۱ (۰/۰۰۰)	-۱۴/۳ (۰/۰۰۰)	-۶/۴ (۰/۰۰۰)	-۱۵/۹ (۰/۰۰۰)	-۵/۹ (۰/۰۰۰)	-۱۴/۱ (۰/۰۰۰)	-۶/۵ (۰/۰۰۰)	-۱۶/۲ (۰/۰۰۰)
GDP	۱/۷۸ (۰/۰۰۰)	۲/۷ (۰/۰۰۰)	۱/۸۱ (۰/۰۰۰)	۲/۸ (۰/۰۰۰)	۱/۸ (۰/۰۰۰)	۲/۶۱ (۰/۰۰۰)	۱/۸ (۰/۰۰۰)	۲/۹ (۰/۰۰۰)
MOBIL	۰/۰۰۸۳ (۰/۰۰۰)	۰/۰۰۷۴ (۰/۰۰۰)	۰/۰۰۷۶ (۰/۰۰۰)	۰/۰۰۰۸ (۰/۰۰۰)	۰/۰۰۷۷ (۰/۰۰۰)	۰/۰۰۷۴ (۰/۰۰۰)	۰/۰۰۰۸ (۰/۰۰۰)	۰/۰۰۷۶ (۰/۰۰۰)
INF	۰/۰۰۰۱۸ (۰/۷۳)	-۰/۰۰۷۱ (۰/۰۰۰۱)	-۰/۰۰۲۲ (۰/۱۶)	-۰/۰۱۱ (۰/۰۰۵۳)	-۰/۰۰۱۱ (۰/۴۸)	-۰/۰۰۰۸ (۰/۰۴)	-۰/۰۰۲۴ (۰/۱۳)	-۰/۰۱ (۰/۰۰۴)
FDIG	۰/۰۰۷۴ (۰/۰۰۰۲)		۰/۰۰۹۷ (۰/۰۰۰۴)		۰/۰۰۱ (۰/۰۰۰۱)		۰/۰۰۶۵ (۰/۰۰۴۲)	
RER		۰/۳۹ (۰/۰۰۶)		۰/۴۷ (۰/۰۰۵۲)		۰/۵۳ (۰/۰۰۱۳)		۰/۴۵ (۰/۰۰۶)
ECO	۰/۱۸ (۰/۰۰۰۱)	۰/۱ (۰/۰۶۴)	۰/۲۳ (۰/۰۰۰)	۰/۱۷ (۰/۰۰۳)	۰/۰۸۳ (۰/۰۴۴)	۰/۰۴ (۰/۳۶)	۰/۲۵ (۰/۰۰۰)	۰/۲۰ (۰/۰۰۰۶)



متغیر وابسته: میزان صادرات خدمات در کشورهای مورد مطالعه								
D8	۰/۱ (۰/۰۷۰)		۰/۰۸۷ (۰/۰۱۷)		۰/۰۷ (۰/۰۴۳)		۰/۰۸ (۰/۰۲۳)	
RQ	-۰/۱۲ (۰/۳۲)	۰/۳۷ (۰/۷۲)						
ROL			-۰/۲۵ (۰/۰۰۶۱)	-۰/۱۷ (۰/۰۰۲)				
VA					۰/۲۱ (۰/۱۷)	۰/۲۶ (۰/۲)		
GOVER							۰/۳۹ (۰/۰۰۰۴)	-۰/۳۳ (۰/۰۰۰)
R2	۰/۹۶	۰/۹۶	۰/۹۶	۰/۹۸	۰/۹۶	۰/۹۸	۰/۹۶	۰/۹۸

- ارقام داخل پرانتز معرف (P-Value) است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

به دیگر متغیرها در مدل‌های برآوردشده گویای همین موضوع است. افزایش سطح عمومی قیمت‌ها یا تورم عاملی بازدارنده برای صادرات خدمات قلمداد شده است که در نتیجه آن رقابت‌پذیری کاهش و هزینه مبادله افزایش خواهد یافت.

در همه مدل‌های برآوردشده، ورود سرمایه‌های خارجی به داخل کشورها همچنین، بسترسازی برای زیرساخت‌های اطلاعاتی و ارتباطی در سطح معنی‌داری بالایی به افزایش صادرات خدمات منتج شده است. بدون شک سیاست‌های تشویق و ترغیب برای گسیل سرمایه‌ها به داخل کشورهای در حال توسعه همچنین، بهره‌مندی و دسترسی افراد این جوامع به فناوری به‌روز اطلاع‌رسانی و ارتباطی می‌تواند صادرات خدمات را تسریع بخشد. در همه مدل‌های تصریح‌شده، اثرگذاری مثبت عضویت کشورها در بلوک‌های منطقه‌ای (ECO) و (D8) در صادرات خدمات تأیید شده است. این مشارکت‌های تجاری منطقه‌ای با در نظر گرفتن میزان انحراف و ابداع تجاری می‌توانند زمینه‌ساز حضور فعال‌تر ایران در عرصه تجارت خدمات باشند؛ به گونه‌ای که، تدوین بیشتر موافقت‌نامه‌های تجاری در حوزه خدمات با الهام از سرفصل‌های GATS می‌تواند به صادرات بیشتر، سودآوری بالاتر و درآمد فزاینده کشورهای اسلامی منطقه منجر شود. در میان متغیرهای نهادی، شاخص‌های اثربخشی دولت‌ها، ثبات سیاسی، حاکمیت قانون، کنترل فساد همچنین، شاخص وزنی حکمرانی در کشورهای مورد مطالعه تأثیری منفی و معنی‌دار در صادرات خدمات داشته‌اند. اثر کاهنده این شاخص‌ها در صادرات خدمات بیانگر این موضوع است که توانایی دولت‌ها در تدوین و اجرای سیاست‌های صحیح در حوزه صادرات خدمات کارایی لازم را نداشته است. از سوی دیگر، بی‌ثباتی سیاسی و قانون‌گریزی همراه با رواج فساد و ارتشاء اداری به کاهش صادرات منجر شده است. بدون شک این چشم‌انداز برای آینده صادرات کشورهای در حال توسعه منتخب نااطمینانی به همراه خواهد داشت. شفاف‌نبودن در سیاست‌ها و مقررات دست‌وپاگیر حضور اثربخش و لازم بخش خصوصی را برای ورود به عرصه صادرات خدمات با مشکل مواجه می‌کند. بنابراین، دولت‌های کشورهای در حال توسعه مذکور برای دستیابی به کارآمدی و تحقق حکمرانی خوب باید درصد بازنگری سیاست‌های فعلی برآیند. همچنین، شاخص حق اظهار نظر و پاسخگویی و شاخص کیفیت مقررات معنی‌دار نبوده است.

بنابراین، با عنایت به موضوعات پیش‌گفته، باید گفت در ایران نیز بسترسازی برای صدور خدمات با تقویت و تجهیز زیرساخت‌ها، اتخاذ سیاست‌گذاری‌های صحیح و برنامه‌ریزی‌شده برای کاهش تورم، تعدیل قیمت ارز در جایگاه واقعی خود، ارتقای درآمدهای مولد سرانه به همراه تقویت عوامل نهادی از جمله موارد کلیدی است که باید با جدیتی خاص برای تسریع در رشد صادرات خدمات مدنظر قرار گیرد. از سوی دیگر، یافتن بازارهای پایدار برای ارتقای آینده صادرات خدمات یکی از مواردی است که می‌بایست در انتخاب بازارهای مقصد صادرات برای شرکت‌های ایرانی مورد

توجه قرار گیرد. به علاوه، آگاهی از وضعیت نهادی کشورهای در حال توسعه به‌منزله شرکت‌های تجاری ایران همچنین، در نظر گرفتن ساختارهای اقتصادی، تجاری و سیاسی فعلی بازارهای هدف در بین کشورهای منطقه در مقایسه با بازارها در کشورهای دیگر به رقابت‌پذیر شدن شرکت‌های صادرکننده خدمات کمک شایانی خواهد کرد. به این منظور، ارتقای آگاهی و برقراری روابط تجاری سازنده با کشورهای دارای بازارهای پایدار و باثبات با تعامل دوسویه نهادهای دولتی و اجرایی با انجمن‌ها و شرکت‌های صادرکننده خدمات میسر است و این می‌تواند صادرات بخش‌های مختلف خدمات مانند حمل‌ونقل، توریسم و مسافرت، فنی و مهندسی، مالی، بهداشت و درمان و آموزش را نیز تقویت کند.

### تشکر و قدردانی

این مقاله با همکاری گروه اقتصاد توسعه دانشگاه کاسل آلمان انجام شده است. بر خود لازم می‌دانیم از راهنمایی‌های ارزنده بتریک کتر کمال تشکر و قدردانی را داشته باشیم.

### منابع

۱. اشرف‌زاده، سیدحمیدرضا و مهرگان، نادر (۱۳۸۷). *اقتصادسنجی پانل دیتا*، مؤسسه تحقیقات تعاون دانشگاه تهران، چاپ اول.
۲. احمدزاده، خالد (۱۳۹۱). تدوین نقشه راه توسعه تجارت خدمات فنی و مهندسی در بازار کشورهای عضو (OIC)، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، تهران.
۳. حسینی، سیدمحمد رضا (۱۳۸۷). شناسایی و رتبه‌بندی عوامل مؤثر بر توسعه صادرات خدمات فنی و مهندسی به کشورهای مشترک المنافع. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، مدیریت اجرایی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات.
۴. داگلاس، سی، نورث (۱۳۷۷). *نهادها، تغییرات نهادی و عملکرد اقتصادی*، ترجمه محمد رضا معینی، سازمان برنامه و بودجه.
۵. رنایی، محسن (۱۳۸۴). *بازار یا نابازار: بررسی موانع نهادی کارایی نظام اقتصادی در اقتصاد ایران*، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، چاپ دوم.
۶. زراءنژاد، منصور و انواری، ابراهیم (۱۳۸۴). «کاربرد داده‌های ترکیبی در اقتصادسنجی»، *فصلنامه بررسی‌های اقتصادی (اقتصاد مقداری)*، سال دوم، شماره ۴، ص ۲۵-۲۱.
۷. سامتی، مرتضی؛ گوگردچیان، مرضیه، و گوگردچیان، احمد (۱۳۸۹). «تحلیل تئوریک و تجربی تأثیر آزادی اقتصادی بر هزینه مبادله: مطالعه موردی کشورهای OECD»، *پژوهشنامه اقتصادی*، سال دهم، شماره ۳۷، ص ۹۵-۱۱۳.

۸. شکوه‌سادات، سیدعلی‌اکبر (۱۳۸۱). «آزادسازی خدمات در کشورهای در حال توسعه»، پژوهشنامه اقتصادی، شماره دوم، ص ۱۶۴-۱۴۳.
۹. صادقی فروشانی، محمدرضا (۱۳۸۵). «شناسایی عوامل مؤثر در مزیت رقابتی صادرات خدمات فنی و مهندسی کشور، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی».
۱۰. عیسی‌زاده، سعید و احمدزاده، اکبر (۱۳۸۸). «بررسی اثر عوامل نهادی بر رشد اقتصادی با تأکید بر نهادهای حاکمیتی»، فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی ایران، سال سیزدهم، شماره ۴۰، صص ۲۸-۱.
۱۱. مهرآراء، محسن و رضایی، عباس‌علی (۱۳۸۹). «کیفیت نهادها و آثار آزادسازی تجاری در کشورهای در حال توسعه منتخب»، پژوهشنامه بازرگانی، شماره ۵۶، صص ۳۲-۱.
12. Anderson, J.E. and Marcouiller, D. (2001). "Trade and security, I: Anarchy", *NBER, Working Paper*, No. 6223.
13. Baltagi, Badi, (2008). *Econometric Analysis of Panel Data*, Forth Edition. Engeland.
14. Chousa, J.P.; Khan, H.A.; Melikyan, D. and Tamazian, A. (2005). "Assessing institutional efficiency, growth and integration". *Emerging Markets Review*, No.6, pp.69-84.
15. Christen, E. and Francois, J. (2010). "Modes of delivery in services", *Working paper*, Department of Economics, Johannes Kepler University Linz, Austria.
16. Coase, R. (1998). "The New Institutional Economics", *American Economic Review*, Vol. 88, pp. 72-74.
17. Do, T. and Levchenko, A., (2009). "Trade, inequality and the political economy of institutions", *Journal of Economic Theory*, Vol. 144, pp. 1489-1520.
18. Dollar, D. and Kraay, A. (2003). "Institutions, trade and growth", *Journal of Monetary Economics*, Vol. 50, No. 1, pp. 133-162.
19. Feenstra, R.C., (2004). *Advanced International Trade: Theory and Evidence*, Chapte 9: Economy of Trade Policy, Princeton University Press.
20. Francois, J. and Hoekman, B. (2009). "Services trade and policy", *Journal of Economic Literature*, American Economic Association, Vol. 48, No. 3, pp. 642-692.
21. Gani, A., and Prasad, B.C., (2006); "Institutional quality and trade in Pacific Island Countries, Asia Pacific Research and Training Network on Trade", *Working Paper Series*, No.20.
22. Kaufmann, D.; Kraay, A.; Mastruzzi, Massimo, (2010). Governance Matter VII: Aggregate and Individual Governance Indicators 1996-2009, World Bank.
23. Kaufmann, D.; Kraay, A.; Mastruzzi, Massimo (2010). "The Worldwide Governance Indicators: Methodology and Analytical Issues", *Policy Research Working Paper*, The World Bank, Development Research Group, Macroeconomics and Growth Team.
24. Ketenci, N.U. (2010). "Trade in services, the elasticity approach for the case study of Turkey", *International Trade Journal*, Vol. 24, No.3, PP.267-297.
25. Knack, P. and Keefer, S. (1995). "Institutions and economic performance: cross country tests using alternative institutional measures", *Economics and Politics*, Vol. 7, No. 3, pp. 207-27.
26. Grossman, G. and Helpman, E. (2005). "Integration versus Outsourcing in Industry

- Equilibrium”, *Quarterly Journal of Economics*, No.117, pp. 85-120.
27. Meon, P.G and Sekkat, K. (2004). “Does the quality of institutions limit the MENA’s integration in the world economy?” *The World Economy*, Vol. 27, No. 9, pp. 1475- 149.
28. Moshirian, F. (2007). “Determinants of International Trade Flows in Travel and Passenger Services”, *The Economic Record*, Vol.69. No. 3, pp 239–252.
29. World Trade Organization, (2012). International Trade Statistics, ([http://www.wto.org/english/res\\_e/statis\\_e/its2011](http://www.wto.org/english/res_e/statis_e/its2011)).
30. World Development Indicators Database, World Bank, 2011.  
[www.carsicm.ir](http://www.carsicm.ir)  
[www.unctad.org](http://www.unctad.org)  
[www.govindicators.org](http://www.govindicators.org)

